

# روزنامه همدلی

<b>روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</b> <p><b>چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ - ۲۷ محرم ۱۴۴۲ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰-شماره ۱۵۱۰ - سال ششم</b> <p>۸صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربیم کیفی ۶۷۴</p> <p><b>hamdelidaily.ir</b>    <b>newspaper.hamdelli@gmail.com</b>    <b>t.me/HamdelliNews</b></p> <p>صاحب امتیاز، مدیر مسئول: <b>ولی‌الله شجاع‌پوریان</b>  چاپ: چاپ گلریز</p> <p><b>نشانی: تهران- زرتشت غربی - نرسیده به بیمارستان مهر - پلاک ۵۶ - واحد ۲</b>  تلفکس: ۰۲۱۸۸۹۶۴۵۳۳ - ۰۲۱۸۸۹۹۴۶۰۸</p></p>	
--	--

## یادداشت‌ها

## عصیان بی‌آرمان

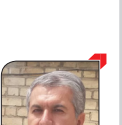


### آرش رازی

روزنامه‌نگار

این روزها اگر کسی همچون اصحاب کَهِف از روزگاری دور به روزگار ما راه پیدا کند، پدیده‌های بسیاری را در محیط اطراف خود خواهد دید که او را به شگفت آورند؛ اما اگر در احوال انسان‌ها تأمل کند، بیشتر از آنکه شگفت‌زده شود به فکر فرو خواهد رفت. او انسان‌هایی را می‌بیند که مدام نوشته‌های تصاویر لوح روشنی را که در دست دارند نگاه می‌کنند و هر دم پریشان‌تر می‌شوند. گاهی غرولند می‌کنند و گاهی حتی ناسزا می‌گویند. او با خود فکر خواهد کرد که این چه جادویی است که آدمیان را وامی‌دارد چنین بر پریشان کردن احوال خود مداومت کنند؟ درست است که او خیلی چیزها را نمی‌داند، اما ما که می‌دانیم چرا با خود این‌گونه می‌کنیم؟ ما نیستیم که خود را مطلع شدن از اوضاع‌واحوال روزگار است؛ اما آن‌که ما را مطلع می‌سازد چه؟ آیا او نیز صرفاً قصد مطلع کردن ما را دارد یا نیت دیگری را در سر می‌پرورد؟ آنچه این روزها با غوغای هشتگ‌ها که پیش‌تر درباره‌اش نوشته بودم، بر روح و روان ما می‌گذرد، نتیجه طراحی‌های پیچیده‌ای است که گروه‌های تأثیرگذار رسانه‌ای بر ما روا داشته‌اند. گروه‌هایی که منافع آن‌ها در شوراندن گروهی از مردم بر گروهی دیگر است، اما چرا گروه‌های تأثیرگذار باید در پی شوراندن مردم باشند؟ بر اساس نظریه آشوب، برای ایجاد تغییر در اوضاع جامعه و برپا کردن نظمی نوین آن‌گونه که بر آورنده ملاحظ سلسله‌چینان باشد به آشوب نیاز است. بر اساس این نظریه، نظم نوین تنها از دل آشوب متولد می‌شود؛ اما چگونه می‌توان گروه‌هایی از مردم را قانع کرد که نظم

### کارگاه روان



**سیدمجترب عبداللّه‌پور**  
دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره

افسردگی خندان یک بیماری و اختلال سیاست‌مداری است؛ هشدار باشیید! افراد جامعه معمولاً در مواجهه با این اصطلاح معمول و این‌که فلائی فردی افسرده است، آن وقت است که او را، یک شخص بی‌انگیزه، بی‌احساس، زودرنج، منزوی، ژولیده، بی‌علاقه به کار و… تجسم می‌کنند؛ اما واقعیت دیگری هم وجود دارد که گاهی با اشخاص خندان، خوش‌رو و بشاش روبه رو می‌شویم که به اختلال افسردگی مبتلا هستند و به آن «افسردگی خندان» می‌گویند. این افراد با خنده، خوش‌رویی، روابط خوب و معمولاً شاد، موضوع افسردگی خود را پنهان می‌کنند. علت این است که می‌خواهند مشکلات و غمی را که دارند، مخفی کرده و خود را به‌عنوان یک فرد توانمند و بدون مشکل معرفی کنند. در نتیجه افسردگی را، به‌عنوان یک راز در درون خود، نگه می‌دارند و در ظاهر آن را بروز نمی‌دهند. افسردگی خندان معمولاً از دوره نوجوانی شروع می‌شود، اما افراد مسن بیشتر به آن مبتلا می‌شوند و متأسفانه آن در جامعه ما رو به افزایش است و تشخیص آن توسط اطرافیان، به علت پنهان کردن این نوع افسردگی، گاهی بسیار سخت است. بنابراین به جهت عدم‌تشخیص، درمان آن سخت و پیچیده

### بیرن‌جویرند

## گربه بی‌حیا



از افزایش افسارگریخته و روزانه قیمت مایحتاج عمومی و خوراکی‌ها و لوازم خانگی و ارز و… بگذریم- البته نه به سادگی! می‌رسیم به افزایش ملک و خودروهای سواری و لاکچری که افزایش قیمت معمول زیر ۲۰درصدی، چندان تأثیری به حال پولدارها و لاکچری‌بازها ندارد، اما روز ۱۸ شهریور ۹۹ خبری خوندم ازصفحه اقتصادی روزنامه‌ای که شاخ، چه عرض کنم، دم درآوردم: وانت آریسان ۶۸میلیون گران شد! تازه این تیتیر خبر بود که خواست رقم رند باشه، داخل متنش می‌ری، می‌بینی ۵۰۰ هزار تومن بیشترتر گرون شده یعنی کلا ۶۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومن درسته. این ماشین - که منه ندیدم، بدید مثل

### با همین واژه‌ها معموله

## نگاهی کوتاه به شعر شمس لنگرودی؛

## فقط عشق نجات دهنده است



**فیض شریفی**  
منتقد و پژوهشگر ادبیات

داشتم در ذهنم شاعران امروز را مرور می‌کردم و با خود می‌گفتم: کدام شاعر را سراغ داریم که با درد و آلام مردم شعر می‌گوید و ترانه می‌سراید؟ کافی است یک بررسی سردستی در این فضای مجازی و غیرمجازی داشته باشید، کدام شاعر است که شاخک‌هایش را تیز می‌کند و جامعه و مردم خود را رصد می‌کند؟ تقریباً هیچ…

آیا ماندگاری نیما و هدایت و شاملو فقط به خاطر تکنیک‌های هنری و تزیینات صوری آن‌هاست؟ آیا شگرد و فیگور شاعرانه کافی است؟

خیر! در جهان سوم هنوز شاعران و نویسندگان حرف اول را می‌زنند، چرا که سیاستمداران بلد نیستند دروغ بگویند. در آن زمان که شاملو برای آیدا شعر می‌گفت سیاست‌زدگان او را متهم می‌کردند که مردم را راها کرده و برای آیدا و به نسوان چنگ انداخته است.

شاملو می‌دانست که سیاسیات و اجتماعیات بدون عشق سرنجامی جز ابتذال نصیباش نمی‌شود. حالا هم

### یادداشت ۲

## پازل نقد



**دکتر سیدحسین حسینی**  
استاد حوزه و دانشگاه

برای حل و چینش یک پازل، تکنیک های ۱۴گانه زیر را می توان به کار بست و هرچه پازل، پیچیده تر و فنی تر باشد، باید در به‌کارگیری اینن راهبردها دقت بیشتری داشت:

- نگاه کلی به نقشه و طرح (در آغاز و در مسیر کار به صورت مستمر و دقیق).
- تفکیک قطعات حاشیه و کادر از قطعات زمینه اصلی طرح.
- تفکیک و جدا کردن رنگ های نزدیک به هم از سایرین.
- طبقه بندی و دسته بندی قطعات تفکیک شده؛ متناسب با جایگاه هر یک، در کل طرح.
- پیدا کردن قطعات مشترک و نزدیک به یکدیگر.
- اولویت بندی دسته ها و قطعات برای قراردادن در جایگاه خود.
- تکرار حدس و آزمون و خطا.
- تمرکز بر طرح و بالا بردن دقت در انتخاب هر قطعه در جایگاه کل نقشه.

### دانشناک

## شاپور



**آقا شاپور** از مهندسان نسل اولی است که سکوهای دریایی شرکت نفت را در منطقه پارس جنوبی راه‌اندازی کردند؛ ولی قبل از آنکه استخدام شرکت نفت شود، خوشنویسی دلش را برده بود و به خاطر علاقه‌اش طی دو سال توانست مدرک ممتازی خط نستعلیق را کسب کند.

تازه داشت مسیر علاقه قلبی‌اش‌رو پیدا می‌کرد که سسر از هم‌تشنیتی با پرسنل شرکت توتال فرانسه در دل دریای خلیج‌فارس درآورد. تجربه و کار جدید خالی از لطف نبود و طسی این مدت که به ده سال زندگی سرانجام شد، به یکی از خبره‌ترین‌های صنعت بهره‌برداری گاز سکوهای دریایی تبدیل شد. ولی با این وجود آقا‌شاپور همیشه کمبود چیزی را در درونش حس می‌کرد.

به خاطر معاشرت با همکاران جدیدش که خارجی بودند و محیط خشن کار و صنعت و حجم زیاد کارش که بعدها با سرپرستی سکو بیشتر هم شد، از عشقش که خاطرات تلخ و شیرین گذشته سرزنش شدن بود که همواره آزارش می‌داد. بعد از آنکه به دلایلی دوباره ادامه کارش

داستان ما همین باید باشد که بی‌عاطفه و عشق یک پای کار می‌لنگد. فقط عشق است که ما را نجات می‌دهد. آن کس که به یک نفر عشق می‌ورزد می‌تواند به‌طوری عاشق مردم خود هم باشد. این را شمس لنگرودی به‌درستی تشخیص داده است. «چمدان‌ت را که می‌بستی مرگ ایستاده بود وانفس‌هایم را می‌شمرد» نگاه غالب شمس یک نگاه عاشقانه و کرشمه‌وار است. در سروده‌های شمس یک نوع طنز لطیف و رقیق هم وجود دارد.

وقتی او نمی‌تواند از پس معضلات هستی برآید با طنز از کنشارش می‌گذرد. شعر شمس ساده و صمیمی و درعین‌حال پرمغز است. ساده محال یا سهل و متنوع است. به‌ظاهر در این تصویریم که می‌توانیم مثل او بگوییم، ولی نمی‌توانیم بگوییم. او سادگی را به شکلی که ما نمی‌توانیم به شگردش پی ببریم ارتقا می‌دهد. نگاه شمس به جهان نو و زندانه است. زبانش هم تر و تازه است: «سنگی بگذار ابر کلماتم اجرایی روشن کن /اندانستم بی‌واژه ترا دوست دارم» شاعر می‌داند که این جهان عشق می‌خواهد تا خلأهایش را پر کند. این عشق در شعر تعین چند عاملی است، مرکز این عشق یک معشوق زمینی

است، ولی این معشوق بسط می‌یابد و گسترده می‌شود. شمس فقط در عاشقانه نمی‌ماند. او در مقابل ظلمی که به بشر و بشریت می‌شود جبهه می‌گیرد: «من خواب ستاره‌ای را می‌بینم / در خاززار/که انگشت میانی‌اش از خون پر است / بر نک پاها راه می‌رود او حسرت می‌خورد/ رویای بجهی خردسالی را می‌بینم/ که اسباب بازی او تفنگی است/ که پدرش را با آن کشته‌اند/ زخمی دیرسال، دیر سال/ از جنگ جهانی دوم می‌آید/ بر صورت من می‌نشیند/ و از حرمت زندگی می‌گوید./ من خواب خوار خار زنی را می‌بینم/ که یک‌شبه پیر می‌شود/ در مژه‌هایم راه می‌رود/ باقی زندگی را در من می‌جوید/ شمر/ خواب‌های من است/ که در بیداری بر من می‌گذرد/ و دسته‌گلی به پای شما فرو می‌ریزد.»

شمس و صالحی درمیان شاعران معاصر جهان بی‌ماده‌ترند. کافی است یک سری از شعرهای شاعران معاصر جهان را با زبان اصلی و ترجمه بخوانید. یکی از شاخه‌های شعری شمس فرم یا شکل است. بیشتر اشعار او بافت و ساخت و آهنگ=شکل) دارد. برای شمس عزیز شادابی و طراوت و تندرستی آرزو می‌کنیم.

### جزئیات سعیدی

بد انجام رفت و بد اندیشه کرد که با زبردستان جفا، پیشه کرد به سختی و سستی بر این بگذرد بماند بر او سال‌ها نام بد نخواهی که نفرین کنند از پُست نکو باش تا بد نگوید کُست

### مشق کلمات

### بخش اول تولید:

بخشی از اقتصاد که به استخراج مواد خام و منابع طبیعی از محیط می‌پردازد.
**منبع: جامعه‌شناسی دیانا کندال**

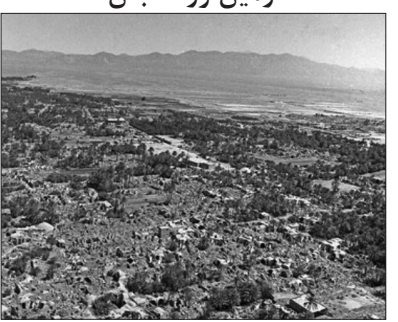
### درست بنویسیم

در موارد زیر بهتر است دو بخش ترکیب، جدا نوشته شود:
آنگاه – آن‌گاه.
آنسو – آن سو،
این‌گونه – این گونه.

**منبع: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی**

### حافظه تاریخی

### زمین لرزه طیس



۲۵شهرپور، سالروز زمین‌لرزه ویرانگر طیس در سال ۱۳۵۷ است. زلزله در ساعت ۱۹.۶ دقیقه به‌وقوت محلی، با شدت ۷/۴ریشتر رخ داد. رکورد شتاب‌نگاری حاصله در محل ساختمان شیروخورشید طیس، هنوز قوی‌ترین نگاشت شتاب‌نگاری از نظر محتوای انرژی و مشاهده شدن دامنه‌های بلند در فرکانس‌های مختلف است. این زلزله با گسل زمین‌لرزه‌ای حدود ۸۰کیلومتری و عمق حدود ۱۰کیلومتر همراه بود.

تعداد تلفات ثبت‌شده حدود ۶۵۰۰ نفر اعلام‌شده است. البته در خود شهر طیس در هنگام حادثه حدود ۱۲۰۰۰ نفر ساکن بودند که حدود نیمی از آن‌ها کشته شدند. این یکی از بیشترین میزان‌های تلفات در هنگام زلزله –که در نیمه‌شب هم رخ نداده-در یک شهر است. این در حالی است که زمین‌لرزه بم که در ساعت ۵:۲۵بامداد با بزرگای۶.۵ در شهری با حدود ۸۰هزار جمعیت رخ داد، حدود ۳۳هزار نفر کشته شدند (حدود ۴۰درصد) گسل زمین‌لرزه‌ای از فاصله حدود ۱۰ کیلومتری شهر طیس، «گلشن» عبور می‌کرد. در منطقه بیابانی مرکزی ایران، وجود واحه زیبایی مانند شهر طیس، همچون نگینی درخشان بود. شهر طیس شهری بود با بناهای تاریخی فراوان و میراث فرهنگی مختلف که در آن زلزله کاملاً از بین رفت. عملاً در اثر زلزله طیس چیزی از شهر باقی نماند. بازماندگان باید ابتدا می‌رفتند به باغ گلشن تا از نظر جغرافیایی خودشان را توجه کنند و بدانند که به کدام سمت بروند. شب تازه آغاز شده بوده و تاریکی مطلق – چون برق هم طبیعتاً قطع شده بوده – با فریادها و ناله‌های مجروحان فضایی دراناک را برای بازماندگان ایجاد کرده بود. حدود بیست هزار نفر از مردم در این زلزله کشته شدند. کانون زلزله در نزدیکی «کربت» واقع بود و خرابی‌ها از «دیھوک» در جنوب شرق تا «اسفیک» و سپس خود طیس گسترش می‌یافت.

شهر طیس در مدت حدود سه سال بازسازی شد، ولی شهرهای که امروز به عنوان طیس در قلب کویر مرکزی ایران وجود دارد، نسبتی با طیس زیبای تاریخی قبل از زلزله ندارد! شهری است مثل همه شهرها و حاشیه شهرهای تازه‌ساز و اغلب بی‌هویت! ایران، آی‌کاش برای بازسازی فکری به حال هویت تاریخی علاوه بر ساخت‌وساز مقاوم در برابر زلزله می‌شد. بزرگ‌ترین نکته‌ای که در مورد زلزله طیس باید بر آن تأکید کرد آن است که رخداد آن در زمان دولت کوتاه‌مدت شریف امامی بود و بازسازی زلزله طیس به زمان اوج انقلاب و سپس، برقراری دولت موقت مهندس بازرگان و سال‌های اول انقلاب اسلامی و سپس جنگ تحمیلی مربوط شد. در چنین زمانی و بر پایه گزارش‌های موجود بازسازی کامل شهر طیس عملاً تا سال ۱۳۶۱ و در زمانی که کشور درگیر جنگ تحمیلی هم شده بود، طول کشید. همه این‌ها موجب شده بود که زلزله طیس و بازماندگان آن‌ها در شرایط بدی هم از نظر رخداد ناگهانی این سازه‌مح هم قرار گرفتند و هم از نظر آنکه تا سال‌ها بعد از رخداد زلزله، اولویت‌های اصلی در کشور مسائل دیگری غیر از موضوع زلزله باشد.

از سوی دیگر آمار سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که شهرستان طیس و حومه در این سال در حدود ۳۰هزار نفر جمعیت داشته است. این موضوع نشان می‌دهد که شهرستان طیس بعد از زلزله طیس علاوه بسر آنکه حدود ۴۰درصد از ساکنان خود را از دست داده است، ولی در سه دهه بعد از زلزله نیز روند مهاجرت به نحوی بوده که جمعیت سه دهه بعد از رخداد نیز به جمعیت قبل از زمین‌لرزه ۱۳۵۷ نرسیده است. بعد از وقوع زمین‌لرزه نیز شایعات و افسانه‌هایی مبنی بر طبیعی نبودن زلزله طیس و ربط آن به افسانه زبانه‌های هسته‌ای دفن شده، یا انفجار عمدی در نزدیکی طیس از سوی آمریکا یا شوروی بر سر زبان‌ها افتاد که تا سال‌ها بعد چنین داستان‌هایی از بعضی از ساکنان طیس شنیده می‌شد.



گیلان بزرگ‌ترین تولیدکننده ارقام بومی و با کیفیت برنج در کشور و ر تبه دوم تولید برنج را به خود اختصاص داده است. برداشت برنج امسال در شالیزارهای گیلان در حالی به پایان رسیده که اکثر کشاورزان با خسارات ناشی از باران‌های شدید در تابستان مواجه شدند. ایسنا